

اشعار زرین

منسوب به فیثاغورس

غایت مشرب فیثاغورس این است که مردم را به روشن بینی برساند و آنها را از مفاسد برحذر سازد و از خطا و لغزش برهاند و آنها را به فضیلت بکشانند و پس از گذراندن مراحل فهم و عقل آنانرا مشایبه با خدایان جاودانی سازد (۱) لذا تعالیم او بدو قست میشود یکی تخلیه و دیگری توحید: در مرحله اول انسان از کدورتها تصفیه میشود و از ظلمت و جهل رهائی می یابد و صاحب فضیلت میشود. در مرحله دوم انسان این فضائل را برای وحدت یافتن با الوهیت بکار میبرد و آن وصول به کمال است. اخلاقیات فیثاغورس بدو کلمه خلاصه میشود (۲) تزکیه

Purification و استكمال Perfection

قبل از هر چیز فیثاغورس صلح را توصیه میکند و فرزندان را به احترام نسبت به والدین و پدر و مادر را به مهر بانی در باره فرزندان و زنان تحریض میکند. عقائد فیثاغورس از سرحد و مرز زادگاه و موطن خارج میشود چه همه مردمان جهان برادر یکدیگرند.

اساس مهر به میهن عشق به پدر و مادر است بسیاری از اعمال بد بر اثر بیعلاقگی به والدین صورت میگیرد. فیثاغورس میگوید «اگر میخواهی جاودان بمانی به پدر و مادر مهر بانی کن (۳) فیثاغورس میگوید، برای دوستی دوست با فضیلت را انتخاب کن و از تمدی و خطای کوچک وی در گذر.

میگوید «دوست مانند همسفر است که در طی طریق موجبات تسهیل و سائل مسافرت را فراهم می آورد و در حیات هم باید با تعاضد دوست بزند گانی رونق بخشید و آنرا بهتر کرد (۴).

فیثاغورس دوستی را امری فردی نمیداند بلکه آنرا عاطفه ای میدانند که جهانگیر شود و بین همه مردم دنیا تعمیم یابد (۵) و دوستی را بنام «انسان دوستی» میخوانند. به فیثاغورس نصایحی را نسبت میدهند که معروف به وصایای ذهبی است.

وصایای ذهبی

قدما آنچه را که زیبا و خالص بود بر حسب تعالی به طلا تشبیه میکردند و همچنین به

-
- ۱- ص ۲۰۶ وصایای ذهبی. ۲- کلدانیان و مغان ایرانی در این طریقت پیشقدم وی بوده اند ص ۲۰۷ اشعار ذهبی. ۳- حضرت موسی میگوید: اگر بخواهی عمر طولانی داشته باشی به پدر و مادرت احترام بگذار. ۴- ص ۲۱۵ اشعار ذهبی ۵- ۲۱۵ اشعار ذهبی

روزگاران‌نی که حکومت فضیلت و سیادت برمدینه‌ای برقرار بوده آنرا «عصر طلایی» می‌گفتند، بدین سبب اشعار باوصایای ذهبی را که دارای ارزش خاصی است و بنام فیثاغورس معروف گردیده است طلایی می‌خوانند چه این اشعار فاخر و معنالی است .

این اشعار سروده مستقیم فیثاغورس نیست بلکه شاگردان مذهب حقیقی و آئین وی پندها و حکم و امثال استاد را که از زبان وی شنیده بودند جمع‌آوری و آنها را در قالب اشعاری که تعداد آنها بالغ بر ۷۸ بیت است فراهم آوردند و گویا یکی از شاگردان روشن ضمیر با مواعظ فیثاغورس بدرستی آشنائی داشته این قطعات را جمع کرده و باسروده و نام اولویس (۱) Lysis بوده است .

لویس خوشبختانه از فاجعه حریق خانقاه کروتون به سلامت جان بدر برد و بیونان برای انتشار آراء استاد رفته و همچنین پنداشت که برای حفظ تمام آراء استاد وظیفه‌دار بوده، مجموعه‌ای فراهم آورد و ترجیح داد که به شعر باشد و آنها را اشعار طلایی نامیده برای اینکه این اشعار حقیقی‌ترین اثری است که افکار یکی از بزرگترین رجال کهن فلسفی را متضمن است .

هیروکلس Hierocles که تفسیری عالمانه و عظیم از این وصایا نموده باطمینان اعتقاد دارد که این اشعار احساس و درک یک شاگرد به‌تنهایی از عقاید فیثاغورس نیست بلکه این مشرب همه اعضا انجمنهای سری فیثاغورس است و میتوان آنرا «آواز» یا ندایا سروده همه پیروان او دانست - او می‌فرازد که قرائت و ترتیل این اشعار بامدادان و شامگاهان برای هر یک از مؤمنین این آئین فریضه بوده است .

سیرون و هراس Horace و سنک Seneqie و کسانی که بگفته‌هایشان اعتماد کافی وجود دارد در آثار خود بیان داشتند که در عهد آنها این فریضه در بین فیثاغورثیان اجرا میشده است (۲)

میدانیم طبق گفته جالینوس در رساله (شناخت و درمان بیماریهای روان) خودوی همه روزه صبح و شام همه اشعار فیثاغورس را قرائت میکرده است .
اینک ترجمه اشعار :

وصایای ذهبی فیثاغورس (۳) مرحله (طلب و آمادگی)

- ۱- ص ۱۸۸ وصایای ذهبی تألیف الیوه . ۲- صفحه ۱۸۹ وصایای ذهبی الیوه
- ۳- ترجمه این اشعار از متن فرانسه کتاب «اشعار زرین»، وصایای ذهبی تألیف فابره - دولیوه صفحه ۱۷۸ با تطبیق متن عربی صفحه ۲۲۵ حکمة الخالده (جاویدان خرد) مسکویه که به تصحیح عبدالرحمن بدوی به عمل آمده است، در این دو متن اختلافی دیده میشود چون در مقدمه متن عربی آمده که جالینوس بامداد و شام این وصیت‌نامه را می‌خواند و در فهرست این-ندیم مذکور است در رسائلی منسوب به فیثاغورس بنام ذهیات بوده و وجه تسمیه آن است که جالینوس آنها را از باب تکریم و احترام به آب طلا نوشته است ص ۳۴۵ الفهرست .

خدایان جاودانی را ستایش و تقدیس کن .
ایمان خود را حفظ کن ، احترام بگذار ، یادبود قهرمانان نیکوکار و ارواح نیمه
خدایان را

مرحله (تزکیه)

فرزندی خوب، برادری عادل ، شوهری مهربان و پدری نیکو باش ،
دوست بافضیلت را برای دوستی برگزین .
به اندرزه‌های شیرین‌وی تفویض باش ، وزندگانی او را سرمشق قرار بده .
وهرگز به سبب لغزش کوچک او را ترك مگوی .
تأحدی که امکان دارد، زیرایك قانون استواری ،
قدرت را به ضرورت می‌پیوندد (۱)
معهذا نیروی فتح به تو اعطاء شده ،
تا بر سرکشی های نفسانی غلبه کنی . پیاموز تا آنها را رام سازی .
قانع ، پرکار و باعصمت باش ، از خشم بپرهیز .
نه درملاء عام و نه در خلوت هرگز بخود اجازه مده ،
هیچ امر قبیحی از تو سرزند و مخصوصاً خودت احترام خود را نگاهدار .
به زبان میاور گفته‌ای و دست میاز به کرداری که درباره آنها نیندیشیده باشی ،
عادل باش و بدان که قدرتی شکست ناپذیر ،
حکم به نیستی میدهد، سعادت‌ها و خیرها ،
به آسانی بدست می‌آیند و همینطور به آسانی از دست می‌روند .
تقدیر شرور و بدبختی را بدنیال می‌آورد .
ماهیت آنها را بسنج، آنها را تحمل کن و سعی نما ،
تاجائی که میتوانی، تیر حوادث را با ملامت پذیری .
خدایان قهار . دانایان را از خدنگه حوادث معاف نمی‌دارند ،
همانطور که «حقیقت» را شیفتگانی است «باطل» راهم نیز هوی خواهانی است .
فیلسوف ؛ با احتیاط ، چیزی را تأیید و یا تکذیب مینماید .
و اگر «باطل» ظفر یا بداود روی می‌نگرد و صبر پیشه می‌کند .
گوش فرادار و اقوال مرا بر صفحه دل بدرستی منقوش ساز .
چشم و گوش خود را در مقابل حوادثی که بتوروی می‌آورد ببند .
از سرمشق دیگری بیمناک باش . بنا بر اندیشه خود عمل کن .
مشورت کن ، تصمیم بگیر ، و از روی اختیار انتخاب کن .

۱- فیثاغورس دومحرك برای اعمال انسانی قائل است یکی الزامی که آنها «ضرورت»
میداند و دیگر ناشی از آزادی است که آنها «قدرت» یا «اختیار» میداند و این دو تحت قانون
واحد کلی قرار میگیرند .

بگذار دیوانگان بدون سبب و غایت عمل کنند.
 بر تست که در زمان حال تأمل کنی درباره آینده
 آنچه را که نمیدانی ادعای انجام آنرا مکن .
 دانش‌اندوز : همه چیز باشکیبائی، در طول زمان بر وفق مراد است.
 در صحت خود بیدار باش به اندازه به بخش،
 بجسم غذا و به نفس آرامش .
 افراط و تفریط در این باره در خور پرهیز است ،
 زیرا انسان به این و آن بیک نسبت گرایش دارد .
 تجمل و خست عواقب مشابهی دارند .
 در جمع امور باید حد وسط نیکو و صحیح را انتخاب کرد .

کمال

مبادا شبی خواب حدقه چشم ترا ببندد ،
 بدون اینکه از خود پرسیده باشی : امروز چه کاری کرده‌ای و چه اشتباهی ازتوسزده ،
 اگر کردارت بد بوده از آن بر حذر باش، اگر خوب بوده در آن استقامت بورز .
 به نضایح من تأمل کن، آنها را از دل بپذیر و تمام آنها را مطاوعت کن :
 به فضائل الهی سوگند میخورم که این نضایح ترا بسر منزل مقصود میرساند .
 من قسم میخورم به کسی که در دل‌های ما نقش بست ،
 تتراد (۱) مقدس را ، که عظمت و مظهر خلوص ،
 و منبع طبیعت و مثال (۲) خدایان است .
 اما قبل از همه - نفس تو ، بنا بر وظیفه وفاداران‌اش ،
 خدایان را با شقیاق میخواند ، خدایانی که مدد آنها ،
 میتواند به تنهایی کارهایی که تو آغاز نمودی بپایان برسانند .
 از آنان در آموختن همت بگیر ، در آن صورت هیچ چیز ترا به اشتباه نمی‌اندازد .
 ذات و ماهیت موجودات گوناگون بر تو عیان میشود .
 مبدأ و غایت همه جهان (۳) را خواهی شناخت .
 اگر رای خدا اقتضا کند - تو خواهی دانست ، که کل طبیعت ،
 بمانند هر چیز در همه امکانه و احداست :
 چون بدین روشن بینی در حقوق واقعی خود رسیدی ،
 در قلبت بهیچ وجه آرزوها و امیال بیهوده ظاهر نمیشود
 مشاعده خواهی کرد که شروری که مردمان را در خود فرو برده ،
 محصول انتخاب آنهاست و این که تیره بختان ،
 خارج از خویشتن به جستجوی خیر می‌پردازند در حالتی که منشاء خیر در نهاد آنهاست .

۱- tétradr عدد ده تائی و عشره کامله که بنظر فیثاغورس کاملترین اعداد واصل جهان

و طبیعت است . ۲- Modél ۳- Tout

اندکی از آنان میدانند که خوشبختند ، ملعبه پنجه شہوات ،
 دمدم دستخوش نوسانات امواج متضادم ،
 برپهنه دریائی ناپیدا کرانه ، غوطه میخورند ، نابینا .
 در برابر طوفان نه قدرت مقاومت دارند نه یارای تسلیم شدن .
 الهی- تو با گشودن چشمشان آنها را نجات میتوانستی داد .
 اما نه ، این تعهد انسانیت است که ریشه خدائی دارد ،
 که تمیز بدهد خطارا و به بیند صواب را ،
 طبیعت آنها را بخدمت میکشد ، توئی که بر طبیعت تسلط یافتی ،
 ای انسان دانا ، انسان سعادت مند که به ساحل نجات رسیدی .
 اما قوانین مرا ملاحظه کن ، که ترا از اموری بر حذر میدارد .
 نفس تو باید بیمناک باشد و بخوبی این امور را تشخیص دهد .
 و بگذارد عقا . بر جسم فرمانروائی کند .
 برای اینکه ، چون ترا در عالم اثیری نورانی بالا ببرد ،
 در جوار جاودانان خواعی بود ، و خودت خدا میشوی ۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

۱- اتحاد مستقیم با الوهیت و تشبیه و تقرب بخدا غایاتی است که پیوسته و همیشه اساس عرفان مذهبی را تشکیل میدهند هر چند غایات یکی است ولی روش و طریق آنان مختلف است . آهنگهای تند دف ها و آهنگهای طنین دار ، نی ها - پای کوبیهای شدید - رهرو را در تأملی یکنواخت و آرام فرو میبرد و بالاخره با توجه بیک نقطه روشن حالت جذب دست میدهد بدین ترتیب طریقت با کوسی یونان و زهد برهمنائی و درویش های مسلمان و پیروان بودا در حالت خلسه ای مستغرق میشوند که آنها را از زیر بار شعور خلاص میکند و آنان را در بطن الوهیت یا پناهگاهی مطلق قرار میدهد .

ص ۱۶۷ متفکران یونان گمپرز .